**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه252– 20 /01/ 1399 مراد از ثلاثة اشهر /مساله‌ی دهم /متن تکمله‌ی عروه /اقوال فقها**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مساله‌ی دهم تکلمه‌ی عروه و نحوه‌ی محاسبه‌ی «ثلاثة اشهر» بود. این بحث یک بحث عامی است که در سایر مواردی که «شهر» مطرح می شود، مانند «اربعة اشهر و عشرا» ( عده‌ی وفات) هم مفید است. مرحوم سید یزدی احتمال دوم را اقوی دانست به این صورت که ماه اول، عددی محاسبه شود و با ماه چهارم سی روز کامل شود و دو ماه وسط هم هلالی حساب می شوند. مرحوم شیخ حسن کاشف الغطاء هم همین احتمال را پذیرفته است.

# کلام محقق حلی در شرایع

محقق حلی در شرایع مانند مرحوم سید یزدی احتمال دوم را تقویت می کند: متى طلقت في أول الهلال اعتدت بثلاثة أشهر أهله و لو طلقت في أثنائه اعتدت بهلالين و أخذت من الثالث بقدر الفائت من الشهر الأول و قيل تكمل ثلاثين و هو أشبه.[[1]](#footnote-1)

# نحوه‌ی محاسبه‌ی روزهای ماه

روزهای ماه از اول ماه محاسبه می شود؛ حتی از پانزدهم به بعد هم گر چه «بقین» تعبیر می شود؛ اما در واقع محاسبه از اول ماه است؛ اما فرض می شود که ماه سی روزه است و هر چقدر که از سی روز کم داشت، آن عدد پس از «بقین» تعبیر می شود؛ نه این که صبر کنیم ببینیم ماه کامل است یا بیست و نه روزه.

معنای حقیقی ماه، «بین الهلالین» است و اقرب المجازات آن، مقدار ماه است. در نتیجه مقداری که از ماه اول ناقص باشد، از ماه چهارم به آن اضافه می شود. مثلا اگر بیستم رمضان طلاق واقع شده باشد، بیستم ذی الحجه عده‌ی سه ماهه منقضی می شود.

آیه‌ی قرآن هم که می فرماید: ﴿ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَواقيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَج ‏﴾[[2]](#footnote-2) به این دلیل است که هلال باعث می شود ماه روشن شود؛ وقتی ماه روشن شود هم اول ماه را روشن می کند و هم وسط ماه را روشن می کند که دو ماه بعد، سه ماه بعد و ... چه موقع است.

اما معنای مجازیِ سی روز برای ماه گر چه امکان دارد اما با توجه به این که بعضی ماه ها بیست و نه روزه است، بعید می باشد، مگر آن که قرینه‌ی محکمی موجود باشد.

# کلام صاحب جواهر

صاحب جواهر ابتدا کلام محقق در شرایع را بیان کرده و توضیحاتی می دهد:

«و كيف كان ف‍لو طلقت في أثنائه اعتدت بهلالين لتمكنها منهما، و قد عرفت كون الشهر حقيقة فيهما و أخذت من الثالث بقدر الفائت من الشهر الأول ليتحقق صدق الثلاثة الأهلة عرفا و لو لكون ذلك أقرب المجازات إلى الحقيقة و قيل تكمله ثلاثين لإمكان الهلالية في الشهرين و تعذره في الباقي، فينصرف إلى العددي و هو الأشبه عند المصنف. و لكن فيه ما لا يخفى ...»[[3]](#footnote-3)

سپس احتمالات دیگری را هم مطرح کرده و نمی پذیرد و در ادامه می فرماید:

«فالأقوى ما ذكرناه أولا، و ذلك لأن الشهر حقيقة فيما بين الهلالين مجاز في غيره، و لا يقدح اختلاف مصداقه بالتسعة و عشرين تارة و الثلاثين أخرى عرفا في جميع الآجال من غير فرق بين البيع و غيره، و مع تعذر الحقيقة فأقرب المجازات إليها التلفيق بما ذكرناه.

و بذلك يعرف الحال في جميع أفراد المسألة، إذ هي غير خاصة في المقام، بل لعل السنة كذلك أيضا، فإنها حقيقة في الأنثى عشر شهرا هلاليا، و تلفيقها بما ذكرنا إلا أن تقوم القرينة على إرادة غير ذلك.»[[4]](#footnote-4)

صاحب جواهر هم احتمال اولی که در عروه مطرح شده را پذیرفته است.

در مورد روز هم همین طور است؛ مثلا اگر ساعت دوازده گفته شود: «سه روز بعد»؛ منظور دوازده ظهر سه روز بعد می باشد.

مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در «وسیلة النجاة» در بحث عده‌ی وفات، نظر صاحب جواهر را پذیرفته است. مرحوم آقای خویی هم در مسائل منتخبه در عده‌ی طلاق مبنای صاحب جواهر را پذیرفته است و احتیاط را در محاسبه‌ی عددی ماه اول قرار داده است که البته احتیاط نسبت به عده‌ی زن می باشد، نه نسبت به رجوع شوهر.

## نکته

در زبان عربی ماه به معنای سی روز نمی باشد؛ گر چه در زبان فارسی ماه به معنای سی روز می باشد.

# سیصد و شصت روز بودن سال

در بعضی روایات بیان شده که سال سیصد و شصت روز بوده است و به خاطر آفرینش آسمان ها و زمین شش روز از آن کم شده است. مرحوم علامه مجلسی در بحار مفصل به این مطلب پرداخته است.

اصل این که سال سیصد و شصت روز بوده است، سند معتبر دارد و در صحیحه‌ی معاویة بن عمار وارد شده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يُسْتَحَبُ‏ أَنْ‏ تَطُوفَ‏ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أُسْبُوعاً عَدَدَ أَيَّامِ السَّنَةِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ شَوْطاً فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَمَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ الطَّوَافِ.»[[5]](#footnote-5)

کم شدن شش روز از ایام سال در مرسله‌ی محمد بن اسماعیل آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الدُّنْيَا فِي‏ سِتَّةِ أَيَّامٍ‏ ثُمَ‏ اخْتَزَلَهَا عَنْ أَيَّامِ السَّنَةِ وَ السَّنَةُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ أَرْبَعٌ وَ خَمْسُونَ يَوْما...»[[6]](#footnote-6)

گرچه سهل بن زیاد را توثیق می کنیم اما این روایت به خاطر مرسل بودنش معتبر نمی باشد.

در خصال هم این مضمون آمده است: «حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ السَّنَةِ كَمْ‏ يَوْماً هِيَ‏ قَالَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ يَوْماً مِنْهَا سِتَّةُ أَيَّامٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا الدُّنْيَا فَطُرِحَتْ مِنْ أَصْلِ السَّنَةِ فَصَارَتِ السَّنَةُ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ أَرْبَعَةً وَ خَمْسِينَ يَوْماً يُسْتَحَبُّ أَنْ يَطُوفَ الرَّجُلُ فِي مُقَامِهِ بِمَكَّةَ عَدَدَ أَيَّامِ السَّنَةِ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أُسْبُوعاً فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ طَافَ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ شَوْطاً.»[[7]](#footnote-7)

این روایت هم به خاطر بکر بن علی بن عبدالعزیز از نظر سندی معتبر نمی باشد. بکر بن علی بن عبدالعزیز نامش در هیچ سند دیگری نیامده است.

بنابراین سیصد و شصت روز بودن سال در روایات می باشد؛ اما شش روز کم شدن از آن در روایات معتبر نیست و مراد از سیصد و شصت روز بودن سال و کم شدن شش روز از آن هم مشخص نیست.

مرحوم علامه مجلسی در بحار «سال الهی» تعبیر کرده است.

# تفاوت تقویم قمری و شمسی

در تقویم قمری اصل، ماه است و سال بر اساس ماه تنظیم شده است؛ یعنی فاصله‌ی بین دو هلال ماه گفته می شود و دوازده ماه یک سال محاسبه شده است.

سال شمسی از ورود خورشید به برج حَمَل آغاز می شود و تا ورود مجدد آن به برج حمل یک سال می باشد. یعنی به یک دوره چرخش زمین به دور خورشید، سال گفته می شود. وقتی این سال را به دوازده قسمت تقسیم می کنیم، ماه به دست می آید. بنابراین ماه یک دوازدهم سال ( سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و هشت دقیقه و چهل و شش ثانیه) است. اوایل زمان رضا شاه چنین قرارداد کردند که شش ماه اول سال را سی و یک روزه قرار دهند و پنج ماه بعدی را سی روزه و ماه اسفند را هم در سال کبیسه سی روزه و در غیر آن بیست و نه روزه قرار دهند.

در نتیجه در تقویم قمری اصل، ماه است و در تقویم شمسی اصل، سال است.

با قراردادی که برای ماه های شمسی قرار داده شده است اگر بچه ای پانزدهم فروردین متولد شود، در پانزدهم اردیبهشت می گویند این بچه یک ماهه است گر چه سی و یک روز فاصله شده است. اگر پانزدهم آبان متولد شود، در پانزدهم آذر یک ماهه است و سی روز فاصله شده است. اگر در پانزدهم اسفند متولد شود، در پانزدهم فروردین یک ماهه می شود، گر چه بیست و نه روز فاصله شده باشد.

این نوع محاسبه و ملاحظه‌ی عرف ناخودآگاه است و نیاز به ملاحظه‌ی خاصی ندارد. صاحب جواهر «اقرب المجازات» تعبیر کرده است. شاید بهتر باشد که مجاز طبیعی تعبیر کنیم که ناخواسته عرف متعارف در این گونه موارد این مجاز را اعمال می کند. سایر مجازات ( مثل سی روز گرفتن یک ماه) نیاز به قرینه‌ی خاصی دارد.

آیت الله والد از قول مرحوم آقای داماد نقل می فرمود که الفاظ تعیینا برای صحیح وضع شده اند و تعینا برای اعم وضع شده اند. علت آن هم این است که شباهت ظاهری اعم به صحیح باعث می شود اطلاق طبیعی به اعم پیدا کند که این اطلاق طبیعی به تدریج منشا وضع تعینی می شود.

1. [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج3، ص25.](http://lib.eshia.ir/71613/3/25/الهلال) [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره بقره، آيه 189. [↑](#footnote-ref-2)
3. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج32، ص249.](http://lib.eshia.ir/10088/32/249/اثنائه) [↑](#footnote-ref-3)
4. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج32، ص249.](http://lib.eshia.ir/10088/32/249/فالاقوی) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص429.](http://lib.eshia.ir/11005/4/429/يستحب) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص78.](http://lib.eshia.ir/11005/4/78/اختزلها) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الخصال، شیخ صدوق، ج‏2، ص 602](http://lib.eshia.ir/15339/1/602/%D9%90%D9%81%D8%B7%D8%B1%D8%AD%D8%AA) [↑](#footnote-ref-7)